SHAHRARANEWS.IR
۴شنبه
سال پانزدهم
۲۲ آذر ۱۴۰۲
۲۹ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵
شماره ۴۱۰۸
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
- نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴ ۸۳ ۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا	۸۳٪	↓ -۱°	↑ ۷°
صبح	۰	ظهر	۵
عصر	۵	شب	۲

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۵:۳۵	نیمه شب شرعی	۲۲:۴۰:۱۸
غروب آفتاب	۱۶:۱۷:۰۸	اذان صبح فردا	۰۵:۰۴:۰۷
اذان مغرب	۱۶:۳۷:۳۴	طلوع آفتاب فردا	۰۶:۳۴:۴۴

اول شخص

هر شب در انتظار معجزه

درباره رسول صدرعاملی، نویسنده، کارگردان و تهیه کننده مطرح سینما که امروز ۶۹ساله می‌شود

آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

عکس: حسین شریعت|شهرآرا

شاید تجربه سال‌ها روزنامه‌نگاری و حضور در مطبوعات بود که موجب شد تا رسول صدرعاملی زمانی که به حیطه فیلم‌سازی ورودکرد، بیش از هرچیز سوژه‌های اجتماعی را دستمایه آثارش قرار دهد. سوژه‌هایی برگرفته از دغدغه‌های همیشگی جامعه‌که فارغ از زمان تولید، در هر دوره‌ای درخور تأمل است. او که در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی به‌کسوت خبرنگاری متمایل شده بود، هنگامی که برای ادامه تحصیل به فرانسه سفر کرد، وفادارانه و مستمر، در دوران تبعید حضرت امام^(ره)، نوفل لوشاتو را برای انعکاس اخبار و فرموده‌های امام خمینی^(ره) ترک نکرد و تا هنگام بازگشت ایشان به خاک وطن، در کنارشان حضور داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تا سال ۱۳۵۹ در روزنامه اطلاعات با کسوت گزارشگر، قصه‌نویس، دبیر سرویس حوادث و دبیر سرویس پارلمانی به فعالیت خود ادامه داد.

گذار از دوره روزنامه‌نگاری به روزگار فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی، فصل تازه‌ای از زندگی رسول صدرعاملی بود تا در قامت هنرمندی دغدغه‌مند، معضلات و چالش‌های زمانه را این بار به‌شکل روایت‌های داستانی بر پرده سینماها منعکس کند. از این روبیراه نیست اگر او را از جمله کارگردانان موفق در حوزه فیلم‌های مرتبط با نوجوان بدانیم. «دختری با کفش‌های کتانی»(۷۷)، «من ترانه ۱۵ سال دارم»(۸۰)، «دیشب باباتو دیدم آیدا»(۸۳) و «سال دوم دانشکده من»(۹۶) از جمله آثار اوست که مؤیدی بر این ادعاست، اما صدرعاملی که سینما را در آغاز راه، با سوژه‌هایی متأثر از درام جنگ و دفاع مقدس از جمله «گل‌های داوودی» آغاز کرده بود، در ادامه پس از تجربه فیلم‌هایی در ژانر اجتماعی، به سراغ سینمای رضوی رفت و مفهوم زائر را به معنای عام مورد بررسی قرار داد و در سه‌گانه‌ای سینمایی با نام‌های «هرشب تنهایی» (۱۳۸٦)، «شب» (۱۳۸٦) و «در انتظار معجزه» (۱۳۸۸) عرض ارادتی به ساحت مقدس امام هشتم^(ع) داشت.

او که برای تولید این آثار ماه‌ها زائر مشهد و حرم مطهر رضوی بود، در نهایت موفق به تولید آثاری شد که علاوه بر استقبال خوب مخاطب، توانست در میان تولیدات سینمایی با محوریت زائر و زیارت، استانداردهای فیلم‌سازی در این حوزه را به قابل قبول‌ترین شکل ممکن رعایت کند. به این ترتیب بیننده این آثار، علاوه بر آنکه پس از تماشای فیلم، از روایت پرکشش و اثرگذار آن لذت می‌برد، می‌تواند پابه‌پای شخصیت‌های داستان در فضای حرم مطهر امام رضا^(ع) قدم گذاشته و به لطف صدابرداری، تصویربرداری و کارگردانی موفق و حرفه‌ای این آثار، خود را در حریم حرم احساس کند.

چنان که رسول صدرعاملی، ساخت موسیقی متن فیلم «هرشب تنهایی» را متأثر از نقاره‌زنی‌های مرسوم در حرم مطهر به محمدرضا علیقلی واگذار می‌کند و در همان سال برای بهترین موسیقی متن در بیست‌وششمین جشنواره فیلم فجر، کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین می‌شود.

آدم‌ها در سه‌گانه صدرعاملی بر مبنای اصل «تغییر شخصیت در مسیر داستان»، تحولات عمیقی را تجربه می‌کنند که فارغ از طبقه، قومیت و جایگاه، هریک به‌گونه‌ای در فرایند حضور در حرم، خلوت با خویشتن و درک احوالات معنوی، دریچه تازه‌ای در زندگی خود تجربه می‌کنند که موجب ارتباط مؤثر و موفق با تماشاگر فیلم می‌شود.

صدرعاملی هم اکنون مدیرعامل و سخنگوی خانه سینماست و پس از تأسیس مؤسسه بین‌المللی فیلمیران در سال ۱۳۸۴، می‌توان از او به عنوان یکی از مطرح‌ترین و اثرگذارترین چهره‌های صنعت فیلم‌سازی ایران یاد کرد.

سه‌گانه امام رضایی رسول صدرعاملی

شب

گروهبانی جوان مأمور به بازگرداندن یک خلاف کار باسابقه و فراری به زندان است، اما بارش شدید برف او را ناچار می‌کند تا شب را با مجرم در مشهد بگذراند. ولی با فرار مجرم، مسیر داستان تغییر می‌کند. عزتا... انتظامی، خسرو شکیبایی و امین حیایی، بازیگران سه‌نسل سینمای ایران در این فیلم نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند.

هر شب تنهایی

عطیه نویسنده و مجری یک برنامه خانوادگی رادیو ست که به تازگی متوجه شده است تنها چهار ماه دیگر زنده خواهد بود. پس به پیشنهاد همسرش برای زیارت به شهر مشهد می‌روند. او افسرده و درگیر مناسبات خود و همسرش است، اما تجربه حضور در حرم امام رضا^(ع) او را دچار تحولات روحی عمیقی می‌کند. حامد بهداد و لیلا حاتمی بازیگران اصلی این اثر سینمایی‌اند.

در انتظار معجزه

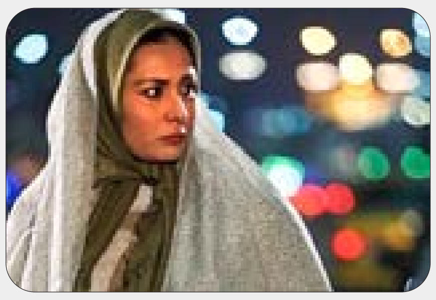

این فیلم درباره امیر و مهرانه، زن و شوهری است که دچار اختلافات شدید هستند در حالی که سه سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است و در تمام این سال‌ها به سختی یکدیگر را تحمل کرده‌اند، اما بنابر شرایط، ناگزیر می‌شوند یک شبانه روز را به همراه دخترشان در سفری به مشهد در کنار یکدیگر سپری کنند.

عکس زائر

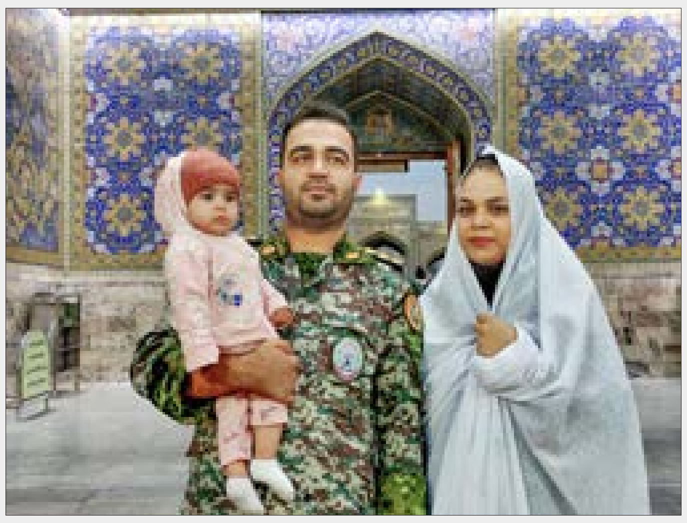

لذت زیارت سه‌نفره

پوریا به همراه فرزند و همسرش از اهواز به مشهد آمده‌اند برای زیارت. سفر پیشین آن‌ها زمانی بوده که همسرش دخترکشان را چهارماهه باردار بوده و فکرش را هم نمی‌کردند باتوجه به مشغله پوریا و بعد مسافت. به این زودی‌ها دوباره توفیق زیارت نصیبشان شود.

اما باورشان این بود که قدم نورسیده بابرکت بوده و امام رضا^(ع) به همین واسطه آن‌ها را طلبیده است و زیارت سه‌نفره‌شان حالا برایشان شیرینی و لذتی مضاعف دارد.

عکس: معصومه بختیاری | شهرآرا

حدیث

امام رضا^(ع) - به روایت از پیامبر^(ص):

لا تَزالُ اُمّتی بخیرٍ ما تحابُّوا و تهادوا...

همواره امّتم خوشبخت است، تا هنگامی که با یکدیگر دوستی بورزند و به یکدیگر هدیه بدهند...

وسائل الشیعه ۲۰۲/۱۱.

چکامه

خیال کن که غزالم بیا و ضامن من شو

شبیه مرغک زاری کز آشیانه بیفتد
جدا ز دامن مادر به دام دانه بیفتد
شبیه طفل جسوری که رنج داده پدر را
برای گریه اش اینک به فکر شانه بیفتد
درست مثل جوانی شرور و عاصی و سرکش
که وقت غصه و غربت به یاد خانه بیفتد
نشان گرفته دلم را کمان ابروی ماهت
دعا بکن که مبادا دل از نشانه بیفتد
همیشه وقت زیارت، شبیه پهنه دریا
تمام صورت من در پی کرانه بیفتد
شبیه رشته تسبیح پاره، دانه اشکم
به هر بهانه بریزد به هر بهانه بیفتد
ولیِّ عهد دلم نه، تو شاه کشور قلبی
که با تو قصه جمشید، در فسانه بیفتد
خیال کن که غزالم بیا و ضامن من شو
بیا که آتش صیاد از زبانه بیفتد
الا غریب خراسان! رضا مشو که بمیرد
اگر که مرغک زاری از آشیانه بیفتد ...
محسن رضوانی

آهوی ضامن‌دار

تقدیم برای عرض تسلیت

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

سهراب سپهری یک جایی در یک شعری می‌گوید: پدرم وقتی مرد پاسبان‌ها همه شاعر بودند... من یک چیزی از این می‌فهمم آقاجانم به‌قدر کله خودم وآن این است که در دوره‌ای از این مملکت که پاسبان‌ها نشانه خشونت و یک دندگی و استبداد بوده اند، وقتی دیدند پدر پسرکی به رحمت خدا رفته با او مهربانانه و شاعرانه برخورد داشته‌اند و دلشان نرم بوده است.

می دانید آقاجان؟ ما زمینی‌ها و دنیایی‌ها وقتی یک کسمان می‌میرد نرم می‌شویم. دلمان به‌رحم می‌آید. غریبه‌ترین که هیچ دشمن‌ترین و دیر و دورترین آدم‌ها هم سر مراسم کفن و دفن و ختم کس و کارمان سراغمان می‌آیند برای عرض تسلیت. پسشان نمی‌زنیم، رو ترش نمی‌کنیم، بغلشان می‌کنیم. شاید از دوست‌هایمان هم محکم‌تر وطولانی‌تر درآغوشمان فشارشان می‌دهیم که ذره‌ای بچشد استخوان‌هایمان دارد چه‌فشاری راتحمل می‌کند.

می دانید آقاجان، ما زمینی‌ها وقتی داغ می‌بینیم دست و دلباز می‌شویم. برای مهمان‌هایمان سفره می‌اندازیم. حواسمان هست همه پذیرایی شوند. هرچند خودمان لب به چیزی نزنیم سعی می‌کنیم برای عزیزمان سنگ تمام بگذاریم.

شطح می‌بافم آقاجان. حواسم هست شما ببخشید ولی من یواشکی بگویم ما آدم‌ها توی لباس مشکی سوگ، توی ریش‌های چند روز اصلاح نشده، توی ابروهای چند هفته مرتب‌نشده، توی آن نگاه‌های خالی‌وسوگمند یک صمیمیتی رامی‌جوریم که درعروسی‌ها وتولدها ودورهمی‌های شادمان نداریم.

من نمی‌دانم آقاجان این قوانین نانوشته و دوست داشتنی ازکجا می‌آیند که هنوز که‌هنوز است برای ما محترم‌اند. الهی دور شال عزایتان بگردم، الهی قربان صورت حزینتان بروم، الهی قربان گنبد وبارگاهتان شوم که‌عزادار شهادت مادرتان هستید.

دور چشم‌های سرخ و پلک‌های نمناکتان بگردم، خدا به شما صبر بدهد. ولی حالا که عزادارید گفتم بگوییم که شما همیشه دلتان نرم وابریشمی بوده وحالا که داغ دارید بیشتر. قربان قدمتان، یک زحمتی بکشید، قرنیه بگردانید به‌حکم آن گردش زندگی ودنیا وآخرتمان رابیمه‌کنید. برای مادرهایمان دعا کنید. برای آن‌ها که‌مانده‌اند طول عمر وبرای آن‌ها که‌رفته‌اند گشایش ومغفرت وآسایش بخواهید.

ما آدم معمولی‌ها پرزورترین قسممان قسم جان مادرمان است واگر کسی به‌این نام قسممان بدهد کلیه وقلبمان راهم بخواهد ازکالبد درمی‌آوریم و تقدیمش می‌کنیم. می‌دانم دلتان سنگین وسوگوار داغ مادر جوانتان است ولی به‌همان مظلومیتش قسم ما خیلی گرفتاریم. خیلی احوالاتمان به‌هم گره خورده. خیلی درد نگفته داریم. روح وجسم وجیب ووطنمان درد می‌کند.

ناخوش احوالیم وهمه دل‌خوشی روزگارمان این است که‌یکی چون شما راداریم که‌همین بااسم ویاد حرمش درددل کردن هم نصف‌راه جلومان می‌اندازد ودلمان راسبک می‌کند. شما را به‌جان مادر جوانتان حواستان به‌جوان‌های ما باشد. شما را به‌بچه‌های کوچکش قسم، چشم ازبچه‌های این خاک برندارید. به‌پدرانگی‌های پدرتان ابوتراب قسمتان می‌دهم برای همه ما پدری کنید. راه‌دوری نمی‌رود. ماسادات نیستیم که‌صدقه بر ما حرام باشد، نگاهی به‌عنوان صدقه به‌ما بیندازید. دلتان داغ‌دار است بیشتر از این مصدع اوقات نمی‌شوم. خدا به‌دلتان صبر بدهد. ببخشید دوریم و نمی‌توانیم بیاییم حرمتان حضوری تسلیت بگوییم.

طبق مصوبه شورای اسلامی شهر
تعرفه توقف پارک حاشیه
(در ساعت اول)
۴۵٪ کاهش یافت
+
۵۰٪ تخفیف خوش حسابی
برای پلاک با شارژ مثبت
جهت مشاهده سایر مشوق ها و کسب اطلاعات بیشتر اسکن کنید
۳۱۲۹۸۴۸۴ امور مشترکین
۳۰۰۰۰۰۳۰۰۰ سامانه پیامکی
www.shahremanapp.com